

مقایسه میزان اضطراب، سلامت روان و رضایت زناشویی در بین زنان با سابقه سقط خود به خودی، زنان نازا و زنان با بارداری عادی در شرایط بیماری کرونا

۱- شکوفه مقربی استاد کلایه

کارشناس ارشد آموزش پرستاری، مربی، دانشکده پرستاری، واحد ایرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایرانشهر، ایران
۲- عبدالله دکالی راد

کارشناس ارشد جراحی داخلی پرستاری، مربی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران
۳- یونس شهبازی

دانشجوی پرستاری، دانشکده پرستاری، واحد ایرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایرانشهر، ایران (نویسنده مسؤول)
u_shahbazi@yahoo.com

۴- مهدی فتاح پور

دانشجوی پرستاری، دانشکده پرستاری، واحد ایرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایرانشهر، ایران
۵- یاسمن اروجی

دانشجوی اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران

چکیده- هدف مطالعه حاضر مقایسه میزان اضطراب، سلامت روان و رضایت زناشویی در بین زنان با سابقه سقط خود به خودی، زنان نازا و زنان با بارداری عادی در شرایط بیماری کرونا بود. بر این اساس، روش مطالعه کنونی از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجراء، توصیفی از نوع علی مقایسه ای بوده است. در این پژوهش جامعه مورد مطالعه، کلیه زنان دارای سقط خود به خودی و زنان دارای ناباروری و همچنین زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر کرمانشاه (۳۱ مرکز) در سال ۱۳۹۹ بودند. در طی روند پژوهش بر حسب نمونه مورد نیاز برای مطالعات مقایسه ای، از هر گروه ۳۰ نفر با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع آوری اطلاعات این مطالعه از پرسشنامه های استاندارد سلامت عمومی گلدبرگ و هیلر (۱۹۷۹)، پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹) و پرسشنامه اضطراب بک، استفاده گردید. برای تحلیل داده های مطالعه حاضر از نرم افزار آماری SPSS استفاده گردید. برای این منظور از آزمون تحلیل کوواریانس یک راهه و چند راهه (آنوا و مانووا) استفاده شد. نتایج مطالعه گویای این بود که میزان اضطراب در بین زنان با سابقه سقط خود به خودی، زنان نازا و زنان با بارداری عادی، متفاوت است. همچنین نتایج نشان داد، میزان سلامت روان در بین زنان با سابقه سقط خود به خودی، زنان نازا و زنان با بارداری عادی، متفاوت است. نتایج دیگر نشان داد، میزان رضایت زناشویی در بین زنان با سابقه سقط خود به خودی، زنان نازا و زنان با بارداری عادی، متفاوت است.

واژگان کلیدی: اضطراب، سلامت روان، رضایت زناشویی، سقط خود به خودی، نازایی، بارداری، کرونا.

اثربخشی درمان اکت (ACT) بر سلامت روان در زنان با سقط خود به خودی در شرایط بیماری کرونا

۱- یونس شهبازی

دانشجوی پرستاری، دانشکده پرستاری، واحد ایرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایرانشهر، ایران
(نویسنده مسئول u_shahbazi@yahoo.com)

۲- عبدالله دکالی راد

کارشناس ارشد جراحی داخلی پرستاری، مربی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران
۳- زهرا کریمی

کارشناس ارشد روان پرستاری، مربی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران
۴- محمد رضویان

کارشناس پرستاری، دانشکده پرستاری، واحد ایرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایرانشهر، ایران
۵- علی مام خضری

دانشجوی پرستاری، دانشکده پرستاری، واحد ایرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایرانشهر، ایران

چکیده- مطالعه حاضر به منظور تعیین اثربخشی درمان اکت ACT بر سلامت روان در زنان با سقط خود به خودی در شرایط بیماری کرونا، انجام گرفت. مطالعه حاضر از نوع کارآزمایی بالینی تصادفی شده شاهد دار بود. شرکت کنندگان شامل ۶۰ زن واجد شرایط با سقط خود به خودی مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۹ بودند. جهت گروه مداخله علاوه بر مراقبت های روتین، هشت جلسه ۶۰-۹۰ دقیقه ای مشاوره گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد به صورت دو بار در هفته، برگزار شد. گروه کنترل مراقبت های روتین را دریافت نمودند. هر دو گروه قبل از مداخله، فرم مشخصات دموگرافیک، پرسشنامه سلامت عمومی ۲۸ سوالی گلدبرگ و هیلر را تکمیل نمودند. بلافاصله و یکماه بعد از مداخله مجددا پرسشنامه های سلامت عمومی و مقیاس داغدیدگی پیش از تولد توسط هر دو گروه تکمیل گردید. داده ها با استفاده از آزمونهای آماری من ویتنی، تی زوجی و تی مستقل در محیط نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد تفاوت بین نمرات سلامت روان ($p=0/05$) دو گروه کنترل و مداخله در قبل از مداخله از نظر آماری معنادار نبود، بعد از مشاوره مبتنی بر پذیرش و تعهد، تفاوت معناداری بین میزان سلامت روان بین دو گروه مداخله و کنترل وجود داشت ($P\leq 0/001$) که با گذشت یک ماه از پایان مداخله، این تغییر همچنان ادامه داشت ($P\leq 0/001$).

واژگان کلیدی: درمان اکت، سلامت روان، سقط خود به خودی، کرونا.

اثر هشت هفته مصرف آجیل سویا، دانه شنبلیله و مصرف همزمان آنها بر هورمون های FSH، LH و استرادیول سرم و علائم شایع وازوموتوری در زنان یائسه

سمیه افشارلو، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه پرستاری، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت

مدرس، تهران، ایران somayeafsharloo@yahoo.com

زهرا رضایی مقدم، کارشناسی، گروه تغذیه، دانشگاه علوم تحقیقات تهران، ایران

دکتر محمد صمدی، مرکز تحقیقات فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج)، تهران، ایران.

پست الکترونیک samadi.mohammad@yahoo.com

دکتر فاطمه رحمتی، مرکز تحقیقات بهداشت نظامی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج)، تهران، ایران.

دکتر ریحانه احمد زاده، گروه صنایع غذایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، قوچان، ایران.

دکتر ترانه مغازه، گروه زنان و زایمان، بیمارستان شهید چمران، تهران، ایران.

دکتر محمد غلامی، مرکز تحقیقات بهداشت نظامی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج)، تهران، ایران.

چکیده:

سابقه و هدف: هر ساله در دنیا ۲۵ میلیون زن وارد دوره یائسگی می شوند. از طرفی به دلیل افزایش امید به زندگی، زنان تقریباً یک سوم از زندگی خود را در دوران یائسگی می گذرانند. این مطالعه به منظور تعیین اثر هشت هفته مصرف آجیل سویا، دانه شنبلیله و مصرف توامان آنها بر هورمون های FSH، LH و استرادیول سرم و علائم شایع وازوموتوری در زنان یائسه انجام گرفت. مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع کارآزمایی بالینی تصادفی بود که به شکل یک سونوگراف روی ۶۰ نفر زن یائسه مراجعه کننده به درمانگاه تخصصی زنان بیمارستان شهید چمران تهران در سال ۱۳۹۳ انجام گرفت. آزمودنی به طور تصادفی در چهار گروه مساوی ۱۵ نفره آجیل سویا (۶۰ گرم روزانه)، دانه شنبلیله (۶ گرم روزانه)، مصرف همزمان آجیل سویا و دانه شنبلیله (۶۰ گرم آجیل سویا و ۶ گرم دانه شنبلیله) و گروه کنترل (۳۰ گرم آرد سوخاری) قرار گرفتند. هر چهار گروه به مدت هشت هفته مواد غذایی تجویزی را مصرف کردند. اندازه گیری های پیکر سنجی، دریافت های غذایی، سطح فعالیت جسمانی روزانه، شدت علائم وازوموتوری (گرگرفتگی، تعریق شبانه و اختلال در خواب) و آزمایشات بیوشیمیایی خون (FSH، LH و استرادیول) در ابتدا و انتهای مطالعه انجام شد. یافته ها: در پایان مطالعه میانگین هورمون های FSH، LH در گروه های مداخله کاهش یافته اما تغییرات آن معنی دار نبوده اما هورمون استرادیول در تمام گروه های مداخله کاهش معنی دار داشته است ($P < 0.001$). مقایسه میانگین امتیاز علائم وازوموتوری در انتهای مطالعه در مقایسه با ابتدای مطالعه نشان داد که در هر سه گروه مداخله این علائم کاهش یافت اما فقط در گروه سویا این کاهش معنی دار بود ($P < 0.001$). در گروه کنترل تغییرات معنی دار مشاهده نشد ($P > 0.05$). نتیجه گیری: هشت هفته مصرف آجیل سویا، دانه شنبلیله و مصرف توامان آنها در زنان یائسه مورد مطالعه باعث کاهش معنی دار هورمون استرادیول گردید اما فقط در گروه مصرف کننده سویا علائم شایع وازوموتوری به شکل معنی دار کاهش یافت.

واژگان کلیدی: یائسگی، سویا، شنبلیله، علائم وازوموتوری.

پیش بینی سلامت روان مادران باردار بر اساس اضطراب ناشی از کرونا ویروس

تکتم فرقانی^۱، فاطمه رضایی شریف^۲، مریم پورزنجان^۳، عصمت پورقنبری^۴ و سمانه داودی فریمانی^۵

^۱ مرکز بهداشت فریمان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران، Forghanit1@mums.ac.ir

^۲ گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران، Fatemehrezaeisharif@gmail.com

^۳ مرکز بهداشت فریمان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران، pourzanjanim1@mums.ac.ir

^۴ مرکز بهداشت فریمان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران، PourghanbariE6@mums.ac.ir

^۵ مرکز بهداشت فریمان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران، DavoudiSM3@mums.ac.ir

چکیده - حاملگی تجربه روحی مهمی است که سبب ایجاد تغییرات روانی زیادی در مادران می شود. بخصوص اگر با شیوع بیماری نوپدیدمانند کرونا همراه شود. این طرح با هدف پیش بینی سلامت روان مادران باردار بر اساس اضطراب ناشی از کرونا ویروس انجام پذیرفت. در بررسی توصیفی- مقطعی، ۲۸۰ نفر از مادران باردار شهرستان فریمان به روش نمونه گیری طبقه ای چندمرحله ای انتخاب و داده ها به وسیله سه پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، سلامت روان ($GHQ-12$) و اضطراب ناشی از بیماری کرونا گردآوری شد. اطلاعات با استفاده از نرم افزار $SPSS 20$ و آزمونهای آماری کای اسکویر، ضریب همبستگی اسپیرمن و تحلیل رگرسیون تجزیه و تحلیل شد. میانگین سنی مادران $26/79$ سال، $52/9\%$ شهری، 97% خانه دار، $53/64\%$ در سه ماهه دوم و $46/36\%$ در سه ماهه سوم بارداری بودند. BMI ابتدای بارداری $21/5$ چاق، $32/1\%$ اضافه وزن، $47/44\%$ طبیعی و $6/9\%$ نیز لاغر بود. میانگین و انحراف معیار سلامت روان $9/3 \pm 13/7$ ، اضطراب کرونا $8/41 \pm 7/31$ بود. $85/4\%$ مادران از نظر سلامت روانی مشکوک بودند. در این مطالعه ارتباط معناداری بین سلامت روان با BMI دیده شد ($p < 0/05$). همچنین نتایج نشان داد که اضطراب ناشی از کرونا بر پیشگویی سلامت روان اثری منفی و معنادار داشت بطوری که براساس نتایج رگرسیون، اضطراب ناشی از کرونا $0/115$ واحد از واریانس سلامت روان را تعیین می کند. باتوجه به تاثیر زیاد شیوع کرونا در سلامت روانی مادران باردار پیشنهاد می شود حمایت های روانی و اجتماعی بیشتری از زنان در دوران بارداری صورت پذیرد.

کلید واژه- سلامت روان، اضطراب کرونا، مادران باردار



بررسی تاثیر بیماری کرونا ویروس در زنان باردار : یک تحلیل سیستماتیک

فاطمه مداحی^۱ و مهسا زکی نژاد^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری ابهر، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ابهر، ایران

^۲ کارشناسی ارشد داخلی-جراحی، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری ابهر، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ابهر، ایران

مقدمه-کرونا ویروس جدید با نام علمی SARS-CoV-2 و بیماری حاصل از آن به نام COVID-19، با گسترش بسیار سریع در چین و پس از آن به سایر نقاط دنیا، نگرانی و وحشت زیادی را در بین مردم جهان به وجود آورد و سازمان بهداشت جهانی نیز طی اطلاعیه ای، شیوع این ویروس را عامل وضعیت اضطراری بهداشت عمومی در سرتاسر جهان اعلام نمود. شیوع ویروس کرونا در سراسر جهان به سرعت در حال افزایش است. زنان باردار به دلیل تغییرات آناتومیک، فیزیولوژیک و ایمنولوژیک در دوران همه گیری ویروس COVID-19 یک جمعیت بالقوه آسیب پذیر و پرخطر محسوب می شوند. تعداد زنان باردار مبتلا به این ویروس در حال افزایش است. مقاله حاضر مروری بر تحقیقات انجام شده با هدف بررسی زنان باردار مبتلا به COVID-19 و بررسی علایم این زنان می باشد.

واژگان کلیدی: کووید ۱۹- بارداری- سندرم حاد تنفسی- pregnancy-covid19- Coronavirus2019

بررسی تاثیر گیاه زنجبیل بر تهوع و استفراغ بارداری: یک تحلیل سیستماتیک

فاطمه مداحی^۱ و مهسا زکی نژاد^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری ابهر، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ابهر، ایران

^۲ کارشناسی ارشد داخلی-جراحی، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری ابهر، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ابهر، ایران

چکیده- تهوع و استفراغ حاملگی یکی از شکایت های اصلی و شایع زنان باردار در دوره بارداری می باشد که به طور معمول در ۵۰٪ تا ۹۰٪ از بارداری ها رخ می دهد. تهوع و استفراغ در اکثر موارد در حد خفیف و متوسط است که عارضه خاصی ایجاد نمیکند؛ با این حال گاهی استفراغ به حدی شدید است که می تواند سبب از دست رفتن آرامش مادر باردار و خانواده وی شود و علاوه بر این موجب عوارض جسمی مانند دهیدراتاسیون، کاهش وزن، آلکالوز، اسیدوز و هیپوکالمی شود. از طرفی مصرف داروهای شیمیایی برای رفع تهوع و استفراغ بدون عارضه نیست و همچنین بسیاری از مادران درمان های مکمل از جمله طب گیاهی را می پسندند. زنجبیل از داروهای گیاهی است که به فراوانی در ایران وجود دارد و اثرات درمانی آن بر روی تهوع و استفراغ در تحقیقات متعددی حمایت شده است. مقاله حاضر مروری بر تحقیقات انجام شده با هدف بررسی تاثیر گیاه زنجبیل در تهوع و استفراغ ناشی از بارداری می باشد.

واژگان کلیدی: تهوع بارداری- زنجبیل- حالت تهوع- استفراغ- *NVP-ginger*

مروری بر ۲ سرطان شایع در زنان؛ سرطان پستان و سرطان دهانه رحم

سجاد رنجبر کوچکسرای*^۱، فاطمه ویشفر^۲، پیام نیکجو^۳ و مهرداد روحانی نسب^۴

^۱*دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران -

sjd.ranjbar94@gmail.com

^۲دانشیار، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران - vizeshfarf@sums.ac.ir

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران -

paya1342.1350@gmail.com

^۴کارشناسی ارشد، گروه اتاق عمل، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران -

mehrdad_mashhad74@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: زنان به عنوان گروهی بسیار مهم در کشور و کانون سلامت در خانواده و بهداشت در سطح جامعه می باشند. سلامتی آنان همواره برای تمام سیاست های بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حائز اهمیت است چرا که آنان ضامن سلامت فرد، خانواده و اجتماع می باشند. سرطان یک بیماری ژنتیکی است که ناشی از تظاهرات غیرطبیعی ژن در بدن می باشد سرطان پستان و دهانه رحم به عنوان دو مورد از سرطان های مهم در بین زنان شناخته می شوند که شیوع آن در بین زنان ایران و جهان بالا می باشد. این پژوهش با هدف بررسی سرطان های پستان و دهانه رحم به عنوان ۲ مورد از سرطان های شایع در زنان انجام شد.

مواد و روش: در این مطالعه مروری، کلیه مقالات چاپ شده بین سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۲۰ میلادی به زبان های فارسی و انگلیسی با استفاده از کلیدواژه های سرطان، سرطان پستان، سرطان دهانه رحم، زنان، و معادل انگلیسی این کلیدواژه ها در پایگاه های اطلاعاتی و استنادی معتبر از جمله *Magiran*، *SID*، *Science Direct*، *Google scholar*، *Scopus*، *Web of Science*، *PubMed* جمع آوری و بررسی قرار گرفت.

یافته ها: در مجموع تعداد ۲۰۰ مقاله جستجو شد که پس از حذف موارد تکراری و مقالات دارای بایاس، تعداد ۴۵ مقاله که معیارهای ورود به مطالعه را داشتند انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. طی بررسی کامل مقالات تعداد ۱۵ مقاله شیوع بالای سرطان پستان و ۱۲ مقاله شیوع بالای سرطان دهانه رحم را در بین نمونه های خود نشان دادند. همچنین بهترین راه برای مقابله با این سرطان ها پیشگیری از بروز این سرطان ها و تشخیص زودهنگام آن می باشد.

نتیجه گیری: در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد که شیوع سرطان پستان و دهانه رحم در بین جمعیت زنان قابل توجه می باشد. لذا شناسایی به موقع و پیشگیری این سرطان ها به عنوان دو سرطان شایع در زنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است که این کار از طریق آموزش صحیح به زنان و افزایش آگاهی آنان میسر خواهد شد. در این راستا پیشنهاد می گردد آموزش توسط رسانه های جمعی، مراکز بهداشت و سلامت و نیز تیم بهداشتی به زنان جامعه و آگاه سازی آنان در زمینه سرطان های پستان و دهانه رحم به طور دوره ای انجام شود.

کلیدواژه ها: سرطان، سرطان پستان، سرطان دهانه رحم، زنان



سرطان رحم

فاطمه کریمی

دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خورسگان

چکیده: مقدمه: سرطان دهانه ی رحم بیماری چندعاملی است و یک سرطان شایع در زنان به حساب می آید. این سرطان بعد از سرطان سینه در زنان دومین سرطان مهلک است که اگر به موقع تشخیص داده نشود ممکن است به مرگ منجر شود. سرطان دهانه ی رحم یک بیماری کاملاً قابل پیشگیری است اما بشرط آنکه زود کشف شود. عوامل متعددی در سرطان دهانه ی رحم نقش دارند مانند زیاد بودن تعداد شرکای جنسی، سن پایین در اولین مقاربت، بی سواد، مصرف طولانی قرص میدانند. hpv ضد بارداری و غیره. امروزه دلیل اصلی سرطان دهانه ی رحم را ویروس پاپ اسمیر یک آزمون جهت تشخیص بیماری های تناسلی زنان است که به تمامی زنان بالای ۱۸ سال توصیه میگردد یکی از موثر ترین درمان های سرطان دهانه رحم، رادیوتراپی با کموتراپی یا بدون کموتراپی همزمان میباشد. در این پژوهش سعی شده است سرطان دهانه رحم و عوامل موثر بر آن، راه تشخیص آن و راه های درمان آن مورد بررسی قرار گیرد. نتیجه گیری: باید سعی شود به زنان آگاهی های لازم درباره این سرطان و عوامل موثر بر آن داده شود و همچنین لزوم انجام پاپ اسمیر و رعایت بهداشت در زنان آموزش داده شود.

کلمات کلیدی: سرطان رحم، پاپ اسمیر، ویروس غربالگری hpv

تاثیر ورزش های دوران بارداری بر تسهیل زایمان

فاطمه پودینه کرباسک^۱، سهیلا صدقیان^۲ و پریسا قهرنارویی^۳

^۱ گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران

^۲ گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران

^۳ گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: در عصر حاضر، انجام دادن کار بیشتر برای نجات جان مادران، بر انجام دادن فعالیت برای هر گونه عامل منفرد دیگر ارجحیت دارد. در این زمینه، مراقبت های دوران بارداری از اهمیتی چشمگیر برخوردار است. این مراقبت ها با هدف کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان و عوارض بارداری و زایمان انجام میشود، زایمان اوج دوران بارداری یک زن است، از آنجایی که کیفیت و قوت بارداری بر کیفیت زایمان طبیعی تاثیر گذار است بر آن شدیم تاثیر ورزش های دوران بارداری را بر تسهیل زایمان طبیعی بدون مداخله پزشکی بر کاهش میزان درد و طول مدت زایمان مورد ارزیابی قرار دهیم.

روش بررسی: توصیفی - تحقیقی

یافته ها: تعداد ۱۶۰ نفر از زنان نخست زا مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی وابسته به دانشکده علوم پزشکی شهر تهران در این پژوهش شرکت کردند که به طریق نمونه گیری متوالی انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه مورد و شاهد تقسیم شدند. یافته ها نشان داد که بین دو گروه مورد و شاهد از نظر میانگین طول مرحله دوم زایمان ($P=0.5$) و وزن هنگام تولد نوزاد ($P=0.04$) تفاوت داشتند.

نتیجه گیری: براساس نتایج می توان گفت که فعالیت های ورزشی در دوران بارداری باعث کاهش طول فاز فعال زایمان می شود و نوزادانی که از این مادران متولد می شوند وزن مناسب تری دارند. علاوه بر آن ورزش اثر سوء بر وزن گیری زنان، نوع زایمان، وقوع زایمان پیش از موعد و یا بعد از موعد ندارد. لذا پیشنهاد می شود مادران در این زمینه در مراکز بهداشتی و از طریق وسایل ارتباط جمعی آموزش داده شوند.

کلید واژه ها: ورزش، بارداری، زایمان، وزن نوزاد

بررسی شیوع نایسریا گنوره عامل سوزاک در زنان و تاثیر آن بر ناباروری زنان

نازنین فتاحیان^۱، حامد عالمی^۲ و کیانا شاه زمانی^۳

^۱ کارشناس ارشد باکتری شناسی، گروه پاتولوژی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه لرستان

^۲ کارشناس ارشد باکتری شناسی، گروه پاتولوژی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه لرستان

^۳ دانشیار ویروس شناسی پزشکی، گروه ویروس شناسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

چکیده :

زمینه و هدف : عفونت نایسریا گنوره از عفونت های باکتریایی شایع در کشورهای جهان بوده که علاوه بر زنان در مردان هم دیده میشود و از مهم ترین بیماری های مقاربتی به شمار می رود . در این مقاله سعی بر این است که علاوه بر معرفی این بیماری و میزان شیوع آن در پنج سال اخیر در ایران به تاثیر آن در ناباروری زنان هم اشاره کرد .

روش بررسی : مطالعه و بررسی جدید ترین مقالات داخل و خارج سال های اخیر در مورد نایسریا گنوره و مقالات در زمینه ناباروری و بحث در رابطه با تاثیر باکتری نایسریا گنوره بر ناباروری زنان و مردان بحث کنیم و در آخر جمع بندی نکات مهم را گزارش دهیم یافته ها : ناباروری یکی از مشکلات شایع جوامع بشری است. ناباروری، باردار نشدن زن پس از یک سال انجام مقاربت منظم و بدون استفاده از روشهای جلوگیری از بارداری است. مطالعات متعدد در سراسر جهان میزان شیوع ناباروری را در جوامع مختلف بررسی کرده و نتایج متفاوتی را گزارش کرده اند.

نایسریا گنوره از سری باکتری های ایجاد کننده عفونت در ناحیه تناسلی زنان و مردان بر ناباروری زوجین تاثیر گذاشته و با مقاومت دارویی فزاینده خود به مرور درصد بالایی از علل های ناباروری را کسب میکند.

نتیجه : بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه، مایکوپلازما ژنیتالوم، نایسریا گنوره آ و کلامیدیا تراکوماتیس در زنان نابارور شیوع داشت و میتوانیم نتیجه بگیریم که کنترل و درمان به موقع عفونت های ایجاد شده به وسیله این ارگاناسمها به همراه سایر عوامل، میتوانند در پیشگیری و درمان ناباروری زنان و مردان و سلامت بهداشت جامعه تاثیر داشته باشد

واژگان کلیدی : نایسریا گنوره ، عفونت ، زنان ، بیماری ، شیوع ، ایران ، عفونت گنوکوکی ، بارداری ، ناباروری



بررسی سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشت شهر ارومیه

سیمین حق دوست

کارشناس ارشد مامایی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، ایران.
sarah.haghdooost@yahoo.com

خلاصه

زمینه و هدف: ایران یکی از ده کشوری در دنیا است که توانست به اهداف هزاره سوم توسعه دست پیدا کند و میزان مرگ و میر مادران را به میزان ۷۵ درصد کاهش دهد. با وجود این هنوز برخی استان های کشور میزان بالایی از مرگ مادران را به خود اختصاص میدهند. ارتقاء سبک زندگی منجر به کاهش فاکتورهای خطر آفرین مرگ برای مادر و جنینش می شود. این مطالعه سبک زندگی زنان باردار شهر ارومیه را مورد بررسی قرار داد

روش: این یک مطالعه مقطعی است که در مراکز بهداشتی ارومیه در سال ۲۰۱۹ بر روی ۳۲۰ زن باردار در سه ماهه های دوم و سوم بارداری به صورت نمونه گیری خوشه ای انجام گرفت. جمع آوری اطلاعات به وسیله سوالات دموگرافیک محقق ساخته و سوالات سبک زندگی (HPLP-II) انجام گرفت و آنالیز آماری توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و روش های آماری توصیفی، آزمون من ویتنی انجام گرفت.

نتیجه: این مطالعه نشان داد که نمره کلی سبک زندگی زنان باردار ارومیه 25.71 ± 138.48 است. از لحاظ ابعاد سبک زندگی، در بعد، سلامت روان بیشترین و در ابعاد فعالیت بدنی و مدیریت استرس کمترین امتیاز را داشتند.

نتیجه گیری: نمره کلی سبک زندگی زنان باردار ارومیه کمتر از متوسط است. با توجه به تاثیری که سبک زندگی زنان باردار ارومیه در سلامتی دوران بارداری و پس از آن دارند نیاز به افزایش آگاهی زنان در مورد اهمیت بهبود نمره سبک زندگی قبل از بارداری، در کاهش آمار مرگ های مادری و در جهت سلامت مادر و جنین در دوران بارداری و پس از زایمان از طریق آموزش های اجتماعی با همکاری مدیا و مسئولان در امور بهداشتی باید مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه ها: سبک زندگی؛ زنان باردار؛ ارومیه



کیفیت زندگی و شدت علایم در دوران انتقال به یائسگی در زنان ایرانی

منصوره رفایی^۱، ثریا مردانپور^۲، فریده کاظمی^۳

^۱ دکترای بهداشت باروری، استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.
mansouhrefaei@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.
Mardanpoursoraya1@gmail.com

^۳ دکترای بهداشت باروری، مربی گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.
faridehkazemi21@yahoo.com

هدف: دوره انتقال به یائسگی در برخی از زنان با بروز علایم یائسگی و کاهش کیفیت زندگی همراه است. هدف از این مطالعه، سنجش سطح کیفیت زندگی و شدت علایم یائسگی در زنان در دوران انتقال به یائسگی بود.

روش کار: این مطالعه مقطعی بر روی ۱۳۶ نفر از زنان در دوران انتقال به یائسگی مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهرستان جوانرود انجام شد. نمونه گیری به صورت تصادفی انجام شد. برای سنجش کیفیت زندگی از پرسشنامه ویژه سنجش کیفیت زندگی در دوران یائسگی - MEN-QOL استفاده شد و برای سنجش شدت علایم یائسگی از مقیاس شدت علایم یائسگی MRS استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۲۱ تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: افراد مورد مطالعه میانگین سنی 49.94 ± 4.16 سال داشتند. 80.9% تحصیلات کمتر از دیپلم داشتند. 91.7% خانه دار بودند. از نظر وضعیت اقتصادی 69.9% در سطح متوسط قرار داشتند. بنابر خوداظهاری افراد کیفیت زندگی در 19% ضعیف، 65.4% در حد متوسط و 28% خوب گزارش شد. میانگین نمره شدت علایم یائسگی 23.77 ± 7.49 به دست آمد که نشان دهنده شدت علایم در حد متوسط میباشد. میانگین نمرات وازوموتور، علائم روانی-اجتماعی، علائم جسمی، علائم جنسی و نمره کل کیفیت زندگی در زنان در دوران انتقال به یائسگی به ترتیب برابر 8.4 ± 4.31 ، 17.36 ± 6.36 ، 43.23 ± 14.3 و 7.27 ± 2.15 و 75.88 ± 24.91 بود.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که شدت علایم یائسگی، کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در زنان در دوران انتقال به یائسگی در محدوده متوسط قرار دارد و کیفیت زندگی ضعیفتر به حیطة جسمی تعلق دارد.
کلید واژه ها: انتقال به یائسگی، شدت علایم یائسگی، کیفیت زندگی.

بررسی بی احترامی و سوء استفاده از زنان در طی لیبر و زایمان در مراکز تسهیلات زایمانی در جهان: یک مطالعه مروری نظام مند

سیمین حق دوست^{۱*} و دکتر فرزانه پازنده^۲

^{۱*} کارشناس ارشد مامایی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، ایران

پست الکترونیک: sarah.haghdooost@yahoo.com

^۲ دکتری تخصصی بهداشت باروری، مرکز تحقیقات مامایی و بهداشت باروری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی تهران، ایران

پست الکترونیک: pazandehf@gmail.com

*آدرس میل نویسنده مسئول: sarah.haghdooost@yahoo.com

چکیده:

مقدمه: بی احترامی و سوء استفاده از زنان در لیبر یکی از دلایلی مهمی است که منجر به دور شدن مادران از استفاده تسهیلات زایمان توسط ماماها و ماهر در بارداری های بعدی بخصوص در کشور های با درآمد پایین می شود. این مطالعه مروری به بررسی بی احترامی و سوء استفاده از زنان در جهان در حین لیبر و زایمان می پردازد

روش کار: این مطالعه مروری به بررسی مقالات کمی و کیفی بدون محدودیت زمان چاپ مقالات در پایگاه های معتبر (EMBASE, Scopus) پرداخته است. مقالات به زبان انگلیسی جزء معیار ورود به مطالعه بود. مقالات مداخله ای از بررسی مروری خارج شدند. جهت بررسی مقالات کمی از ابزار استاندارد STROBE و همچنین جهت ارزیابی کیفی مقالات کیفی از CASP استفاده شد.

نتایج: در ابتدا ۵۰ مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفت که از این بین ۱۲ مقاله تکراری و ۲۱ مقاله غیر مرتبط شناسایی شد در نهایت ۱۶ مقاله با متن کامل جهت ارزیابی باقی ماند که از این بین ۳ مقاله مداخله ای در ارزیابی نهایی خارج شدند در کل ۱۳ مقاله مرتبط مورد ارزیابی قرار گرفت. بیشترین شیوع بی احترامی و سوء استفاده از زنان در لیبر در کشورهای آفریقایی دارای رنجی از ۷/۹۹-۱۲٪ بود. بیشترین موارد بی احترامی در لیبر در این کشورها، نگرش ضعیف و غیر دوستانه مراقبین درمان و تبعیض و عدم اخذ رضایت آگاهانه در طی درمان بودند. سوء استفاده فیزیکی کمترین فراوانی را داشت. سطح پایین اجتماعی اقتصادی زنان به عنوان مهمترین تعیین کننده میزان بی احترامی و سوء استفاده از زنان در لیبر بود در تعدادی از مطالعات گزارش شده بود که بی احترامی و سوء استفاده از زنان در لیبر منجر به افزایش افسردگی زنان در سه ماه پس از زایمان شده بود.

نتیجه گیری: مراقبتهای مامایی کرامتمدار باید به عنوان برنامه مراقبتهای بهینه مادر و نوزاد در هر کشوری آموزش داده شود. این امر منجر به بهبود پیامد زایمان و کاهش میزان اقدامات مداخله ای در لیبر و زایمان شود.

کلمات کلیدی: سوء استفاده و بی احترامی، زنان، زایمان، جهان، مروری نظام مند

تجربه زایمان و عوامل فردی - اجتماعی مرتبط با آن در مادران بستری بخش پس از زایمان بیمارستان الزهرا رشت

پریسا زمانی^{۱*}، طاهره ضیایی^۲، نسرین مختاری^۳، احسان کاظم‌نژاد لیلی^۴

^{۱*} گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

^۲ گروه مامایی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

^۳ گروه پرستاری (بهداشت جامعه)، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

^۴ گروه آمار زیستی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تجربه زایمانی مثبت با احساس کنترل، قدرت و رضایت در مادران همراه است که ارتباط عاطفی مادر و نوزاد، فعالیت جنسی مادر و تمایل به فرزندآوری مجدد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مطالعه با هدف تعیین تجربه زایمان مادران و عوامل فردی - اجتماعی مرتبط با آن انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه به روش توصیفی - مقطعی، ۱۶۵ مادر بستری در بخش پس از زایمان بیمارستان الزهرا شهر رشت (سال ۱۳۹۶) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه مشخصات فردی - اجتماعی و پرسشنامه تجربه زایمان (CEQ) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون، تی مستقل، آزمون آنالیز واریانس و رگرسیون لجستیک تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین کلی نمره تجربه زایمان مادران، $58/13 \pm 10/72$ بود (محدوده نمره ۲۲-۸۸) و میانگین نمره تراز شده (۴-۱) حیطه حمایت کارکنان زایشگاه $(3/15 \pm 0/7)$ بالاتر از سایر حیطه‌ها و میانگین نمره تراز شده حیطه مشارکت مادر $(2/21 \pm 0/84)$ پایین‌تر از سایر حیطه‌ها بود. همچنین نوع زایمان $(p=0/005)$ و سن حاملگی $(p=0/004)$ از مهم‌ترین عواملی بودند که با تجربه زایمان مادران، همبستگی معنی‌داری نشان دادند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج، ارتباط مؤثر مراقبین درمانی، مشارکت فعال مادر حین زایمان، سن حاملگی بالا و زایمان طبیعی از مهم‌ترین عوامل مرتبط با تجربه مثبت زایمان می‌باشد؛ بنابراین، پرهیز از مداخلات غیرضروری مانند ختم بارداری در سنین پایین حاملگی بدون وجود اندیکاسیون مادری، جنینی و مشارکت بیشتر مادر طی پروسه زایمان، ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژه‌ها: زایمان؛ مادران؛ دوره پس از زایمان.



اثرات مکمل زینک بر کیفیت زندگی زنان باردار و تاثیر روی جنین آن ها

سبحان یوسفی

علوم و تحقیقات (تهران) - Sobhan.yousefi.daroo@gmail.com

چکیده - علیرغم تاثیر روی بر رشد و تکامل کودکان اما با توجه به کمبود نسبی روی در دوران بارداری به خصوص در قشرهای فقیرتر جامعه، ذخایر نوزادان آنان ناچیز می باشد. لذا با توجه به فواید بالقوه تجویز ارائه مکمل روی به زنان شیرده و موفق بودن طرح ترویج تغذیه با شیر مادر محقق بر آن شدیم تا تاثیر تجویز مکمل سولفات روی به زنان شیرده را بر رشد و تکامل شیرخوران مورد بررسی خواهیم کرد. عوامل مختلفی در رشد و تکامل موثرند. این عوامل به دو دسته ژنتیکی و محیطی تقسیم می شوند. تغذیه یکی از موثرترین عوامل محیطی بر رشد جنین است. عنصر روی نیز یکی از ریز مغذی های مهم است که تحقیقات اخیر نشان داده اند بر رشد جسمانی تاثیر بسزایی دارد. وضعیت تغذیه ای مادر یکی از فاکتورهای موثر بر رشد جنین می باشد. ریز مغذی ها مانند روی تاثیرات بیولوژیک متفاوتی بر مادر و جنین می گذارند.



چالش های روش های پیش بینی تشخیص سرطان پستان مبتنی بر داده کاوی

ملیحه ضرابی اول^۱ و رضا قائمی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد هوش مصنوعی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

zarrabim3@mums.ac.ir

^۲ استادیار گروه مهندسی کامپیوتر، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

r.ghaemi@iauq.ac.ir

چکیده - پیش بینی تشخیص، بقا و عود بیماران مبتلا به سرطان پستان، همواره از چالش های مهم برای محققین و پزشکان بوده است. امروزه به مدد علوم بیوانفورماتیک، امکان رفع این چالش ها با بهره گیری از اطلاعات قبلی ثبت شده از بیماران تا حدود زیادی محقق گردیده است. با تکنولوژی های کم هزینه سخت افزاری و نرم افزاری، داده ها با کیفیت بهتر و در حجم های بالاتر به صورت خودکار ذخیره می گردند و به کمک تجزیه و تحلیل بهتر آنها، این حجم عظیم از داده ها به صورتی کارآمد و موثرتر پردازش می شوند. هدف اصلی این مقاله، معرفی تعدادی از الگوریتم های پرکاربرد و شناخته شده پیش بینی در سرطان پستان است. بررسی و مرور پیشینه تحقیق نشان می دهد که در واقع موفقیت الگوریتم های بازشناسی الگو در تشخیص سرطان پستان، به عوامل مختلفی از جمله تعداد نمونه ها، تعداد ویژگی ها، داده های نویزدار و گم شده بستگی داشته و هنگامی یک روش پیش بینی می تواند به خوبی عمل کند که مراحل جمع آوری داده، پاک سازی داده و انتخاب ویژگی ها نیز به خوبی انجام شده باشد.

واژگان کلیدی : داده کاوی، پیش بینی، تشخیص بیماری، سرطان پستان.

Perceived social support in pregnant women and its related demographic and reproductive factors

Parisa Zamania¹, Tahereh Ziaie², Nasrin Mokhtari Lakeh³, Ehsan Kazemnejad Leili⁴

¹Department of Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran. E-mail: Parisa_zamani95@yahoo.com

²Social Determinants of Health Research Center, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran. E-mail: Taherehziaie110@yahoo.com

³Department of Community Health Nursing, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran. E-mail: Lakeh.nasrin@gmail.com

⁴Department of Biostatistics, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran. E-mail: Kazem_ehsan@yahoo.com

Abstract Objective: Pregnancy and transition to motherhood are important events and parents face a variety of challenges in these periods. Social support acts like a buffer in stressful periods of life and causes better quality of life and healthy birth outcomes. This study examines the demographic and reproductive factors affecting the mothers' perceived social support, to help parents cope with these special periods more effectively. **Methods:** This descriptive cross-sectional study was conducted on 165 pregnant women referring to Al-Zahra maternity hospital in Rasht. Demographic and Reproductive questionnaire and Multidimensional Scale of Perceived Social Support (MSPSS) was completed through interviewing pregnant women in latent phase of labor. Mode of delivery was asked after delivery. **Results:** Total mean score of MSPSS in pregnant women was 43.92 ± 8.5 (score range:12-60). Support by "significant others" had the highest mean score among all dimensions and support by "friends" had the lowest score. Maternal level of education ($P=0.005$), maternal occupation ($P=0.014$), number of abortions ($P=0.041$) and mode of delivery ($P=0.085$) are the most important factors having positive impact on MSPSS of pregnant women. While paternal level of education ($P=0.003$), economic status ($P=0.02$) and parity ($P=0.069$) are the most important factors having negative impacts on MSPSS. **Conclusions:** The importance of social support by family members, especially the spouse during pregnancy was determined. Health care providers should present educational, counseling and support services with a family-centered approach in prenatal care sessions to create a sense of power and confidence in mothers to reduce the risk of pregnancy complications.

Keywords: Perceived social support, Pregnant women, Related factors



Violence in Pregnancy and Maternal Fetus Attachment

Elham zare , Maryam Ghaffari , Fateme Nahidi , Abbas Masjedi Arani , Maliheh Nasiri

ABSTRACT Background: attachment between mother and fetus plays an important role in maternal identity, birth outcomes, growth and development of newborn. In addition, domestic violence especially in pregnancy has regarded as a health priority in many societies. The aim of this study is assessing the relationship between domestic violence in pregnancy and maternal fetus attachment. Method: this descriptive correlational study was conducted in 200 pregnant mothers visiting the selected Healthcare Centers of Mashhad. The questionnaires were demographic information, Straus Violence Questionnaire and Cranley's Mother-Fetus Attachment Questionnaire. Data were analyzed using descriptive and correlation coefficient and liner regression tests as well as SPSS v.21 software. Result: 54% of members had experienced domestic violence. In general, there was a reversed and significant correlation between all aspect of domestic violence and mother-fetus attachment. 89% of Research Centers reported fetal attachment as good, 10% as average and 1% as weak. Based on the linear regression test, physical violence was able to predict the variance of maternal attachment score of 4.14% in mothers. Conclusion: As a result of this article, regarding to lower maternal- fetal attachment in violated women in pregnancy, much more sensitive screening should be considered for domestic violence until adverse outcome could be prohibited.

Key words: domestic violence, violence in pregnancy, maternal fetus attachment

Evaluation of the effectiveness of the educational program based on the theory of planned behavior on knowledge, behavior and encouragement of breastfeeding in pregnant women referring to health centers

SafouraJahanara^{1*}, Mahtab Sattari², Mahboubeh Ahmadi³, BabakMoeini⁴, Malihe Nasiri⁵

1. MSc, Faculty of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
2. MSc, Faculty of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
3. PhD, Faculty of Nursing & Midwifery, Shahid-Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran
4. PhD, Social Determinants of Health Research Center, Faculty of health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
5. PhD, Faculty of Paramedical, Shahid-Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Correspondence*: Safoura Jahanara, Faculty of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

E-mail: sa_jahanara@yahoo.com

Abstract Background: Nowadays, mothers have ceased to breastfeed due to several factors and resort to bottle-feeding or other forms of complementary feeding for their children. This results in physical and emotional problems for children, and socio-economic harms in communities and education is one of the most important ways to promote breastfeeding. The aim of this study was to evaluate the effectiveness of the educational program based on the theory of planned behavior on knowledge, behavior and encouragement to breastfeed in pregnant women. **Materials and Methods:** This study was quasi-experimental. The city was divided into 4 districts and 2 clinics were randomly selected from each district. Then 100 pregnant women with inclusion criteria were selected and allocated to intervention and control groups randomly. The researcher held 4 training sessions (60 minutes) based on theory of planned behavior and behavioral objectives. Data collection tools were a researcher-made questionnaire and a breastfeeding checklist. The collected data were analyzed by using spss/19 software. **Results:** Findings showed that there was a significant difference in mean knowledge, perceived behavioral control, subjective norms and practice of breast feeding among women in the intervention and control groups after intervention ($P < 0.05$). There was no significant difference in mean scores of attitude, behavioral intention and behavior between the two groups ($p > 0.05$). **Conclusion:** The results showed that educational program based on theory of planned behavior to persuade pregnant women for breast feeding through the influence of certain structures had been effective. Therefore, we recommend implementing training programs based on Theory of Planned Behavior, in order to encourage pregnant women for breastfeeding. **Keywords:** Theory of planned behavior, Breastfeeding, Education, knowledge, Encouragement, Behavior

Childbirth Satisfaction in women based on the Tiznobaik Model (TM, 2019): Designed by a qualitative study

Azita Tiznobaik¹, Zohreh Khakbazan², Mehrnaz Geranmayeh³, Ziba Taghizadeh⁴

1- PhD of Reproductive Health, Department of Midwifery and Reproductive Health, Member of Maternity and Child Care Research Center, Faculty of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

2- Assistant professor, PhD of Reproductive Health, Department of Reproductive Health, School of nursing and midwifery, Tehran University of medical sciences, Tehran, Iran

3- Assistant professor, PhD of Medical Education, Department of Reproductive Health, School of nursing and midwifery, Tehran University of medical sciences, Tehran, Iran

4- Associate professor, PhD of Reproductive Health, Department of Reproductive Health, School of nursing and midwifery, Tehran University of medical sciences, Tehran, Iran,

Background: Childbirth Satisfaction is a topic of increasing interest and is an essential component of quality of obstetric care. The previous studies showed progress in labor and controlled pain in women who were satisfied with their childbirth experience with respect to maternity services. On the other hand, dissatisfaction with childbirth causes a negative attitude to pregnancy, leading women to request cesarean section in subsequent deliveries. Nowadays, the desire for natural childbirth in the Iranian women is declining while increasing number of cesareans and their complications have become the newest challenge to maternal health. This led to paying more attention to the labor experience and its satisfaction. As satisfaction develops over time and occurs through a complex process involving different factors, this study seeks to identify the above process, contextual, confounding, interactive, and consequential factors. Therefore, the present study is aimed to explain the process of delivery satisfaction in Iranian women and designing a model.

Methods: This study was conducted with qualitative methodology and the grounded theory approach in Hamadan. Participants included 26 women who referred to Fatemeh, Atieh and Bou Ali hospitals in Hamadan for childbirth. In addition, 5 medical staff were included as key informants. Semi-structured and in-depth interviews were used to collect data. Inclusion criteria for all the participants in this study were, the ability and willingness to communicate and at least five years of maternity work experience medical staff. The data were analyzed according to Corbin and Strauss's (2008) version in four steps including data analysis for concepts, data analysis for context, and data analysis for process and composition, and class integration. MAXQDA10 software was used for the data analysis.

Results: The main concept of this study was "Striving for safe and pleasant labor experience". The main categories of context were "expectation of childbirth, beliefs and childbirth experiences, facilities and services, midwife- woman interactions". The process of forming this study was the categories of "facilitating a safe delivery, adaptation to labor pain and seeking support". The basic model of this study is "safe and pleasant delivery." In fact, women who are satisfied with childbirth consider natural childbirth as the safest way to achieve health for themselves and their babies. This would be a path a way to childbirth satisfaction that essentially depends on their expectations, beliefs and experiences of childbirth. In addition, their adaptation to the pain and support of the delivery process lead to a pleasant experience of childbirth. Psychological recovery due to ignore delivery complications, matching experiences with expectations and a pleasant return to home, along with structural factors, are factors in the formation and satisfaction of a positive mental image of childbirth.

Keywords: Childbirth; Satisfaction; Childbirth satisfaction; Designing a Model

Evaluation of oral health status of pregnant women in Hamadan, 1398

Azita Tiznobaik¹, Mahtab Sattari², Mehdi Shirinzad³, Ali Ghaleeiha⁴, Ghodratollah Roshanaei⁵,
Mohammad Amir Ahmadian⁶

1- PhD of Reproductive Health, Department of Midwifery and Reproductive Health, Member of Maternity and Child Care Research Center, Faculty of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

2- Department of Midwifery and Reproductive Health, Faculty of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

3- Associate of Restorative Dentistry, Department of Restorative Dentistry, Faculty of Dentistry, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

4- Research center for Behavioral disorders and substance abuse, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

5- Associate of Biostatistics, Modeling of Non Communicable Diseases Research center, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

6- Department of Restorative Dentistry, Faculty of Dentistry, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

Introduction: One of the most important stages of a woman's life is pregnancy. During pregnancy, changes occur in the oral environment. Among these changes, we can mainly mention dental caries and periodontal disease, the extent of which is affected by a person's health status. The aim of this study was to determine the oral health status of pregnant women referring to health centers in Hamadan.

Materials and Methods: In this cross-sectional study, 220 pregnant women in Hamadan in 1398 were selected by convenience sampling method. Demographic information and their oral health status were assessed using a researcher-made questionnaire. Data analysis was performed using SPSS 16 software and descriptive statistics.

Results: The mean age of pregnant women was 25.35. 2.9 years. None of the pregnant women in this study used dental services during pregnancy. Only 3.2% of them reported using a toothbrush three times a day and only 0.9% of them reported flossing. None of them used mouthwash. Number of healthy teeth between minimum and maximum 8 to 29 teeth, number of decayed teeth between zero and 20 teeth and number of re-filled decayed teeth between zero and 5 teeth and number of teeth lost due to decay between zero to 9 teeth. In the study of the studied samples, the relationship between age and variables such as oral health status ($P = 0.353$), tooth decay ($p = 0.276$), restoration due to decay ($p = 0.689$) and tooth loss due to decay ($p = 0.412$) did not exist.

Conclusion: The results of this study showed that in the studied pregnant women in terms of oral health status is not good that may affect the consequences of their pregnancy. Therefore, due to the importance of pregnancy, it is necessary for pregnant women to receive the necessary training on methods to promote oral health.

Key words: Oral and dental hygiene, pregnant women, DMFT Index



Self-Reported vs. Measured Body Mass Index (BMI) in Iranian women

Marjan Hosseinpour¹, Mohammad Esmaeilpour Aghdam², and Farzad Maleki³

1. Maternal and Childhood Obesity Research Center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

2. ShahinDezh health center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

3. Social Determinants of Health Research Center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

Background: Obesity is a growing public health challenge, especially among women. Body size is an important part of a person's self-representation. An accurate self-reported BMI provides a simple and economical method for research projects. This study compared self-reported versus clinically measured data from women in the North West of Iran, Urmia. **Methods:** This cross-sectional study collected self-reported and measured BMI of women from all regions of Urmia by multistage random sampling method. Participants weight and height were measured at their children's schools by two trained experts and they reported their own body size perception via a questionnaire as part of a larger study. BMI was categorized (underweight, normal, overweight, and obese). The correlation between measured and self-reported BMI was examined using Spearman's correlation.

Results: A total of 528 participated, with the age range of 19-55 years and a mean BMI of 27.5 ± 4.5 kg/m². Most of them (78%) were housewives and with high school education (33.7%). The Finding showed 2.5% of the participants described their own body size as very thin, 10.8% as somewhat thin, 49.8% as normal weight, 30.1% as overweight, and 6.8% as obese. While direct measurement indicated 29.6% were normal weight, 43.8% overweight, and 25.9% obese. Of the 12 women who perceived themselves as thin, 5 (41.37%) were actually overweight. Poor correlation was observed between measured and self-reported BMI ($r = 0.03$; $P < 0.001$).

Conclusion: Women tended to under-report their own weight. Therefore, this study suggests self-reported anthropometric measurements in women cannot be used for health interventions.

Message for policymakers: Epidemiologic research should consider potential under-estimation of BMI in heavier women, and perform direct measurements where feasible. Findings provide support for not using self-reported anthropometric data in this sample of women for policymaking and intervention planning.

Keywords: Accuracy; women; BMI

Knowledge, Attitudes, and Practices of Weight Control Responsibility in Iranian women

Marjan Hosseinpour¹, Mohammad Esmailpour Aghdam², and Farzad Maleki³

1. Maternal and Childhood Obesity Research Center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

2. ShahinDezh health center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

3. Social Determinants of Health Research Center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

Background: Obesity has become pandemic due to an obesogenic environment and low emphasis on self-responsibility of health. Effects are greater for women owing to their smaller size and potentially extra weight gain with each pregnancy. This study explored the knowledge, attitudes and performance of Weight Control in Iranian women.

Methods: This descriptive cross-sectional study was conducted by multistage random sampling as part of a larger study, using data from 528 women in the northwest of Iran, Urmia. The Family Eating and Activity Habit, and Dieting Belief Scale Questionnaires were used to assess the attitudes and performance towards self-responsibility of weight control.

Results: Participants mean age was 32.3 years old, and the majority was housewife (78.8%), with high school education (33.7%). The mean BMI of participant was 27.5 ± 4.5 kg/m². Of obese participants, 62 % reported they don't need to receive encouragement and support to lose weight and 86% believe they can easily lose weight by limited food intake. Also, they believed in the effect of self-responsibility and exercise on weight control. In addition, overweight women had higher levels of knowledge and performance than obese women in all questions.

Conclusion: The obese and overweight women have accepted that individuals are responsible for taking care of their weight and, the level of knowledge and attitude were optimal, but there are some obstacles in turning attitude into performance. Therefore, it should be addressed in-depth through qualitative research. In addition, motivational education and intervention can be expected to be very effective.

Message for policymakers: Our findings disclosed the need to promote healthy weight management practices in Iranian women, with an emphasis on diet and the surrounding environment. However, conditional access to healthcare based on personal lifestyle is still controversial. Longitudinal work is needed to clarify the causal nature of relationships between behavioral self-regulation and other mediating and moderating factors.

Keywords: Women, weight, self- responsibility

The effect of lavender essential oil aromatherapy on anxiety in pregnant women admitted to labor ward

Mahtab Sattari^{*1}, Safoura Jahanara², Parisa Parsa³, Shirin Moradkhani⁴, Younes Mohammadi⁵, Fatemeh Shobeiry⁶, Fatemeh Kalhori⁷, Fahimeh Ezati⁸

- 1- MSc of Consulting in Midwifery, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Hamadan university of Medical Sciences, Hamadan, Iran. mahtabsattari212@gmail.com.
- 2- MSc of Midwifery, Department of Midwifery, Faculty of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran. sa_jahanara@yahoo.com.
- 3,6- Ph.D. of Community Health, Department of Midwifery, Mother and Child Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
- 4- Department of Pharmacognosy, School of Pharmacy, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran. moradkhani@yahoo.com
- 5- Department of Epidemiology, School of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
- 7,8- MSc of Consulting in Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Science, Hamadan, Iran

Abstract:

Introduction: Anxiety is very common during childbirth. Aromatherapy is one of the ways to reduce anxiety. Lavender is a plant aromatic product that has sedative effects. The aim of this study was to determine the effect of aromatherapy of lavender essential oil on anxiety in pregnant women admitted to the labor ward.

Materials and Methods: This study is a randomized clinical trial. The sample consisted of 70 women with first pregnancies who referred to the delivery center of Fatemeh Hospital in Hamadan, and selected based on the available sampling method, then by randomized block method in one of the two groups treated with placebo or Lavender essential oils were included. In the experimental group, a drop of lavender essential oil was inhaled for 15 minutes and in the control group, a drop of placebo was inhaled by mothers. The level of state and trait anxiety was measured in both groups before and 15, 60 and 90 minutes after the intervention by using the Spielberger State-Trait Anxiety Inventory (STAI) questionnaire. Data analysis was performed using SPSS /21software.

Results: In the experimental group, the difference between the mean scores of state anxiety before and 15, 60 and 90 minutes after the intervention was significant ($P < 0.05$) and the level of anxiety after the intervention decreased ($P < 0.05$). While in the control group, the level of state anxiety had an increasing trend at all times after the intervention and there was a statistically significant difference in the control group before and after the intervention ($P < 0.05$). There was no significant difference in the mean scores of trait anxiety before and after the intervention between the experimental and control groups ($p < 0.05$).

Conclusion: Aromatherapy of lavender essential oil is effective on labor anxiety in primiparous women and reduces maternal anxiety. Therefore, aromatherapy as one of the complementary medicine methods can be used to reduce maternal anxiety during childbirth.

Keywords: Aromatherapy, Essential Oil, Lavender, Anxiety, Childbirth, Labor

The effect of group education on sexual knowledge and attitude of female students

Mahtab Sattari¹, Azita Tiznobaik², Farzaneh Soltani³, Batoul Khodakarami⁴, Maryam Farhadian⁵

1- MSc of Consulting in Midwifery, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Hamadan university of Medical Sciences, Hamadan, Iran. Mahtabsattari212@gmail.com

2,3- PhD of Reproductive Health, Department of Midwifery, Mother and Child Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

Azita.tizno@gmail.com, farzanehsoltani2008@yahoo.com

4- MSc of Midwifery, Department of Midwifery, Mother and Child Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

zahrabatul2006@yahoo.com

5- PhD of Biostatistics, Department of Biostatistics, School of Public Health, Hamadan University of Medical Science, Hamadan

Introduction: Sexual health is one of the most important aspects of adolescents and young people. High-risk sexual behaviors can result from incorrect attitudes and insufficient knowledge in the field of sexual issues. Therefore, the aim of this study was to investigate the effect of group education on knowledge and sexual attitude of female students.

Materials and Methods: The present study is a two-group intervention study with pre-test and post-test design. 100 first semester female students of Hamadan University of Medical Sciences were selected by stratified random sampling method. They scored low to moderate sexual knowledge and attitudes scores based on the World Health Organization's Illustrative Questionnaire for interview-Surveys with Young People. Then the samples were divided into two groups of 50 experimental and control by permutation block method. Six 90-minute training sessions were held twice a week for the experimental group. Three weeks after the end of the classes, the sexual knowledge and attitude of students in both experimental and control groups were measured again. Data were analyzed using SPSS /21software.

Results: There was a significant difference between the mean scores of knowledge and sexual attitude of female students before and after the intervention in the experimental group ($p < 0.05$). Also, there was a significant difference between the mean scores of sexual knowledge and attitude of female students in the experimental and control groups after the intervention ($P < 0.05$).

Conclusion: Sexual health education can improve knowledge and improve sexual attitudes of young girls. It is recommended to provide informative education about sexual health to students upon entering universities who are in their late teens, with the aim of reducing problem solving, increasing knowledge and creating the right attitude in them.

Keywords: Girls, Education, Sexual knowledge, Sexual attitude, Students